

# به مناسبت مرگ یک دژخیم

کاظم نیکخواه

۲۵ اکتبر ۲۰۲۱  
مندرج در انترناسیونال ۹۴۴

چند روز است که داود رحمانی موسوم به حاج داود یکی از دژخیمان حکومت اسلامی مرده است. خیلی هایمان با مرگ امثال او متوجه میشویم که فقط از دست دادن کسانی که عزیزشان میداریم نیست که غم انگیز است، بعضا حتی مرگ آنها که از آنها متنفریم نیز ناراحت کننده است. من هم یکی از آنها هستم که از چند روز پیش که خبر مرگ حاج داود رحمانی را شنیدم و شرح احوالاتش را خواندم و یا از زبان زندانیان سیاسی شنیدم، بسیار غمگین هستم. چند بار خواستم احساسم را بیان کنم اما تا امروز برایم مقدور نشده بود. او اولین رئیس زندان قزلحصار و دستیار لاجوردی در سالهای ۶۰ تا ۶۳ بوده و داستانهایی که از شکنجه های وحشتناک

زندانیان سیاسی توسط او گفته میشود، شوکه آور است. اینکه چنین موجودی در بقیه ایام زندگیش در جمهوری اسلامی چه جنایات دیگری را مرتکب شده را من نمیدانم. اما در همین سالهای ریاست زندان و همکاری با لاجوردی بنا به گزارشهای بسیاری از زندانیان سیاسی، او دستش به خون شمار زیادی از زندانی سیاسی زن و مرد و شکنجه و تجاوز و آزارهای دهشتناک هزاران زندانی سیاسی و عزیزان مردم آلوده بود. خبر مرگ این موجود کثیف یک بار دیگر کابوس دهه شصت را بویژه برای بازماندگان آن هالوکاست اسلامی زنده کرد. نفرت انگیزتر اینست که با دهن کجی به مردم این کشور در آگهی مرگش او را بعنوان "مظهر حسن خلق و مهربانی" توصیف کرده

اند.

جمهوری اسلامی به دستور خمینی و مستقیماً با دستان کثیف و خونین امثال حاج داود و لاجوردی و کچویی و خلخالی و امثال این دیوهای خبیث، انقلاب عظیم مردم علیه دیکتاتوری شاه را بیرحمانه خفه کرد و دفن نمود و حاکمیتش را سرپا نگه داشت. مردمی که با هزار آرزو و چشم انداز امید بخش، خود را از ساواک و زندان و دربار شاه خلاص کرده بودند و شاد بودند و آینده روشنی را مقابل خود می دیدند به ناگهان با دیو خونخوار اسلامی روبرو شدند و دهها و صدها هزار نفر از جوانان و زنان و مردان در حالیکه خود را در بهار آزادی تصور میکردند، به یکباره در خیابانها و

خانه ها دستگیر شدند و به چنگ این گرگها افتادند و بدست آنها لت و پار و نابود شدند و در گورهای بی نام و نشان مدفون گردیدند. یک شوک اجتماعی تمام عیار! داستان آن هالوکاست اسلامی هنوز آنچنان که باید بیان نشده است. باید همچون هالوکاست نازیسم بعد از جنگ جهانی دوم، پیرامون آن فیلمها ساخت، کتابها نوشت و یاد قربانیانش را به اشکال مختلف گرامی داشت. حاج داود یکی از عاملان آن هالوکاست فراموش نشدنی است.

اینکه چنین موجوداتی در قصرهای خود در سنین بالا بمیرند، بدون اینکه در دادگاهی مردمی حاضر شوند و ناچار شوند حقایقی از پشت پرده آدمکشی های حکومتشان را اعتراف

کنند، بدون اینکه مادران و پدران و فرزندان  
که عزیزانشان قربانی آنها شده اند را در یک  
دادگاه مردمی چشم در چشم ببینند و توسط  
این مردم داغدیده و حسرت کشیده مورد  
نفرت و تحقیر و انزجار قرار گیرند، برآستی  
ناراحت کننده است. خبر مرگ حاج داود این  
روزها یک بار دیگر کابوس آن دوران خونین  
و خونبار دهه شصت را برای خیلی از مردم  
بویژه زندانیان سیاسی بازمانده از آن دوران  
زنده کرده است.

من خود در این دوران در زندان نبودم و با  
حاج داود و لاجوردی و دیگر گرگهای اسلامی  
روبرو نشدم. اما با شکنجه گران ساواک شاه  
سرو کار داشته ام که شلاق میزدند و آویزان

میکردند و شوک الکتریکی میدادند و ناخن میکشیدند. اما فکر نمی‌کردم که روزی در این مملکت موجوداتی پیدا میشوند که با ابداع شیوه های وحشتناکتر شکنجه و زجر کش کردن، روی دست شکنجه گران ساواک بزنند و کاری کنند که آنها به اصطلاح ”رو سفید“ شوند.

حاج داود طبعا تنها نبود او جزئی از یک سیستم ضد انسان و انسانیت بود. او سر خود کاری نکرد. دستوراتش را از خمینی و رفسنجانی و لاجوردی می‌گرفت. اما یک سر شکنجه گر تمام عیار بود.

امیدوارم بتوانیم هرچه زودتر از شر حکومت

اسلامی خلاص شویم و شکنجه گران و دیگر بازجوها و آخوندهای خونریز و خون آشام اسلامی را به دادگاههای مردمی بکشانیم. این آرزوی بسیاری از مادران و پدران و بستگان قربانیان حکومت اسلامی است. بعد از جنگ جهانی دوم دادگاه نورنبرگ شمار متعددی از نازیهای دستگیر شده را دادگاهی کرد. اما بسیاری از آنها فرار کردند و در کشورهای مختلف خود را مخفی نمودند. این روزها خبری میخواندم که یکی از اس اس های فراری که در کمپ نازیها هزاران تن از نازیها و کمونیستها را کشتار کرده در سن ۱۰۰ سالگی دستگیر و دادگاهی شده است. شکنجه گران فراری حکومت سرهنگان در آرژانتین یا حکومت پینوشه در شیلی نیز کمابیش چنین سرنوشتی



داشته اند. مهم نیست که اینها خود را مخفی کرده اند. همین دوران مخفی زندگی کردن و از این سوراخ به سوراخ دیگر خزیدن برای اینکه دستگر نشوند، خود سرنوشت مناسبی برای گرگان درنده نازیست و فاشیست است. ای کاش حاج داود و خامنه ای و خمینی و خلخالی هم به این سرنوشت دچار میشدند و مادران داغدار قربانیان حکومت، آنها را در موقعیت تحقیر شده و مفلوک و شکست خورده مشاهده میکردند. بدون تردید اما بخشی از ما مردم این خوشبختی را خواهیم داشت که چنین موقعیتی را برای باز ماندگان هالوکاست اسلامی شاهد باشیم. متأسفانه حاج داود هم مثل خلخالی و خمینی و شماری دیگر، چنین سرنوشتی را نداشت و در دادگاهی مردمی

حاضر نشد. او کشت و شکنجه کرد و تجاوز کرد و در ثروت و نعمت مرد و حکومتش همچنان سرپاست. این خوشبختی حاج داود بود اما اوضاع کنونی جامعه نشان میدهد که قطعا بسیاری از دیگر سران و شکنجه گران اسلامی این خوشبختی را نخواهند داشت و مردم اجازه نخواهند داد که روی آرامش را ببینند. طلایه های آن روزها از هم اکنون در افق جامعه هویداست.

۲۵ اکتبر ۲۰۲۱

**وب سایت:**

**www.wpiran.org**

**تماس با حزب:**

پیامگیر تلگرام: **wpi\_tamas@**

و یا با ارسال پیام به شماره

**۰۰۴۶۷۰۰۴۴۷۴۲۵**

از طریق سیگنال، واتساپ و تلگرام و اینستاگرام